

علیه است با تعیین قیم موقت (اتفاقی) یا امین به نامبرده تحویل شود.

نظر قضات محترم مجتمع قضائی شهید فهمیده (اطفال):
آقای غلامی: از دادگاه خانواده یا دادگاه صالح شخصا مطالبه نفقه می‌کند و دادگاه خودش تشریفات قانونی را انجام می‌دهد. «الحاکم ولی من لاولی له» لذا حاکم جانشین ولی او می‌گردد.

آقای عزیززاد: طبق ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی عمل می‌شود. آقای زندیور: طبق مفهوم موافق بند ۳ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی غیررشید اهلیت قانونی برای اقامه دعوی را ندارد.

خانم قادری و خانم زرین سرا و آقای میرحسینی: ۱- در صورت مطالبه از افراد مختلف جواب فرق دارد. اگر از پدر شکایت نماید باید شکایت کیفری مطرح گردد و قیم اتفاقی تعیین می‌شود و نیاز به دادخواست ندارد و دادگاه نفقه را می‌گیرد به غیررشید می‌دهد ولی نفقه ایام گذشته را نمی‌تواند از پدر مطالبه کند و اگر دادخواست لازم باشد قیم اتفاقی تقدیم می‌نماید. ۲- اگر پدر بزرگ دارد، او برای مطالبه نفقه علیه پدر دادخواست می‌دهد.

جعفری: ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی تکلیف را روشن کرده است. دادگاه خودش متمتع را مجبور به پرداخت می‌نماید و مطالبه نباید به صورت دادخواست باشد. رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی در این امور ضروری نمی‌باشد و بدون رعایت آن دادخواست تقدیم نمی‌گردد.

آقای رحمانی (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۸ تهران «کارکنان دولت»):

به عنوان مقدمه باید توجه داشته باشیم رابطه بین حق و تکلیف چیزی شبیه رابطه عموم و خصوص من وجه است - زیرا در بعضی موارد هم حق هست و هم تکلیف مثل اجیر شدن برای انجام کار که با انعقاد عقد اجاره هر یک از طرفین برای انجام کار دارای حق و تکلیف می‌باشند و می‌توانند یکدیگر را به انجام تکلیف الزام نمایند و در صورت امتناع الزام یکدیگر را به انجام تکلیف از دادگاه صالح بخواهند.

... بعضی موارد نیز حق هست لیکن تکلیف نیست، مثل حق خیار که در یک معامله برای یکی از طرفین قرار داده می‌شود. مثلاً در بیع حیوان برای مشتری حق خیار حیوان تا سه روز وجود دارد. در این مورد هرچند برای مشتری حق خیار هست لیکن با بیع هیچ تکلیفی تا زمانی که مشتری حق خیار خود را اعمال نکرده، ندارد.

... بعضی موارد نیز تکلیف هست لیکن برای طرف مقابل حقی نیست تا بتواند آن را مطالبه نماید. مثل تکلیف پسر ارشد در به جا آوردن نماز و روزه پدرش (وقتی پدر فوت شده باشد) در این مورد هرچند پسر ارشد تکلیف دارد. لیکن سایر فرزندان نمی‌توانند فرزند ارشد را الزام به انجام این تکلیف نمایند، بر فرض که وظیفه فرزند ارشد اجیر کردن اشخاص برای انجام این نماز و روزه باشد فرزندان دیگر نمی‌توانند به بهانه اینکه ممکن است اموالش را به دیگران منتقل کند نسبت به توقیف و تأمین اموال وی اقدام نمایند یا از دادگاه بخواهند وی را الزام به استیجار نمایند. در مسئله مورد بحث در سؤال ۳۷۱ نیز باید بگوییم با توجه به ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی زن و شوهر به محض وقوع نکاح صحیح در برابر یکدیگر هم حق دارند و هم

تکلیف و بر اساس ماده ۱۱۰۶ ق.م. زن بر عهده شوهر حق نفقه داشته و شوهر تکلیف به ادای آن دارد و در ماده ۱۱۱۱ با صراحت بیان شده که زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از پرداخت نفقه به محکمه رجوع کند - حتی در ماده ۱۱۲۹ در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و ... زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و مستنداً به ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی در صورتی که شوهر با داشتن تمکن از پرداخت نفقه همسرش یا اشخاص واجب‌النفقة امتناع نماید مستوجب مجازات نیز می‌گردد. لیکن در مورد نفقه فرزندان باید گفته شود بر اساس ماده ۱۱۶۸ نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است.

ماده ۱۱۷۲ ق.م. در صورت امتناع یکی از ابویین حاکم باید به تقاضای دیگری یا به تقاضای قیم یا یکی از اقرباویا به تقاضای مدعی‌العموم نگاهداری طفل را به هر یک از ابویین که حضانت به عهده او است الزام کند و در صورتی که الزام ممکن نباشد حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین کند.

این مبحث در مورد حضانت و نگاهداری بود لیکن در مورد نفقه اقارب در ماده ۱۱۹۶ ق.م. اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی و نزولی ملزم به اتفاق یکدیگرند.

نظریه ۷/۶۴۲۰ مورخ ۷۰/۱۲/۱۷ اشاره می‌کند به اینکه همسر پدر جزو اقارب نسبی نبوده و تحت تکلف متفق نمی‌باشد تا استحقاق مطالبه نفقه داشته باشد مفهومش این است که خود پدر استحقاق مطالبه نفقه را دارد و در نظریه ۷/۹۳۲ مورخ ۷۸/۳/۱۶ در مورد طفل حاصل از زنا آورده است مادر می‌تواند علیه زانی در دادگاه صالح اقامه دعوی نماید.

تکلیف پدر ماده ۱۱۹۹ نفقه اولاد بر عهده پدر است. ... اجداد پدری با رعایت الاقرب فالاقرب و در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است.

(آیا مادر را می‌توان الزام کرد؟! هرگاه مادر هم زنده یا قادر به اتفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری ... در صورت تساوی افریبت نفقه را به حصه تساوی تادیه کنند.

تکلیف فرزند ماده ۱۲۰۰ ق.م. نفقه ابویین با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است.

ماده ۱۲۰۵ اصلاحی ۷۰/۸/۱۴ در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه به عهده او است ممکن نباشد دادگاه می‌تواند با مطالبه افراد واجب‌النفقة به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل مخارج آنان قرار دهد. ... قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۵۳/۴/۳۰ و اصلاحات بعدی آن را هم داریم.

با تمام اینها ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید ... ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه نفقه نمایند به این مطلب در نظریه ۷/۲۳۴۷ مورخ ۷۸/۱۰/۴ نیز اشاره شده و در نظریه ۷/۷۷۰۰ مورخ ۸۰/۱/۱۶ نیز مطالبه نفقه گذشته اولاد را موجه ندانسته.

در نتیجه ملاحظه می‌شود در صورتی که نفقه دیروز اولاد قابل مطالبه نباشد و نفقه گذشته دین نباشد حاصلش این است

در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه به عهده او است ممکن نباشد دادگاه می‌تواند با مطالبه افراد واجب‌النفقة به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل مخارج آنان قرار دهد

ذمی نیست چرا که قابل اسقاط نمی‌باشد نمونه بارز جواز مطالبه نفقه اقارب است که با اسقاط والدین از تکلیف آنکه باید پرداخت کند چیزی ساقط نمی‌نماید به تعبیری دیگر جواز مزبور از نوع حکم است نه حق قابل اسقاط. مستفاد از ماده ۱۲۰۶ ق.م.ن. نفقه معوقه اقارب قابل مطالبه نیست و نفقه جاری یا آتی قابل مطالبه است ولی آیا جواز مطالبه به معنای اذن در آن است که بالغ غیررشید خود راسا درخواست نماید پاسخ به نظر می‌رسد منفی باشد چرا که اذن در شی اذن در لوازم بین آن است نه هر لازمی و اینکه حسب مواد ۱۲۱۲ و ۱۲۱۴ تملک بلاعوض هم محسوب گردد مبرر پذیرش این درخواست نیست چرا که تملک بلاعوض غیر از استفاده و بهره‌وری است مضاف بر اینکه هزینه تمبر و سایر ملحقات درخواست را چه کسی باید عهده‌دار شود؟

بنابراین نمی‌توان حکم به جواز درخواست از طرف بالغ غیررشید داد و راه حل رجوع به ماده ۷۲ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب است و این ماده هرچند ناظر به ضرر و زیان و خسارت است که به استثناء شکایت شاکی خصوصی را لحاظ کرده ولی با توجه به وحدت ملاک آن می‌توان دخالت دادستان را از باب تعیین قیم موقت در حل معضل مطالبه نفقه بالغ غیررشید از محاکم مدنظر قرار داد.

آقای احوارکی (دادسرای عمومی و انقلاب هشترگرد):

به نظر می‌رسد منظور سئوال دختران بالای ۹ سال و پسران بالای ۱۵ سال است که به سن ۱۸ سال نرسیده‌اند و بخواهند علیه ولی خود طرح دعوی مطالبه نفقه نمایند. حداقل فرض شایع و معمول سئوال این است.

پاسخ اکثریت قریب به اتفاق: مطالبه نفقه از دو راه ممکن است: الف) از طریق تقدیم شکایت کیفری ب) از طریق تقدیم دادخواست حقوقی

اول چنانچه دعوی جزایی طرح شود برابر ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری می‌بایست مراتب به دادستان اعلام تا قیم موقت نصب نماید. ثانياً در مورد دعوی حقوقی چنانچه خواسته تعیین نفقه باشد نه مطالبه آن بالغ غیررشید می‌تواند شخصاً اقدام نماید لکن در صورتی که خواسته مطالبه نفقه باشد چون دعوی از جمله دعاوی مالی است برابر مواد ۱۲۰۷، ۱۲۰۸ و ۱۲۱۰ قانون مدنی و قانون رشد متعاملین و رای وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۸۴/۱۰/۳ بالغ غیررشید نمی‌تواند مباشرتاً اقدام نماید و این اقدام به این علت است که این دعوا از جهت هزینه داورى، هزینه کارشناسی و... نیاز به دفاع عقلایی دارد که به مصلحت و غبطه غیررشید نمی‌باشد که مباشرتاً اقدام نماید و می‌بایست برابر ماده ۵۶ قانون امور حسبی که می‌گوید هر یک از دادگاه‌ها که در جریان دعوی، مطلع به وجود محجور شود که ولی یا وصی یا قیم نداشته باشد باید به دادستان برای تعیین قیم اطلاع دهد. دادگاه مکلف است مراتب را به دادستان اطلاع دهد تا با تعیین قیم موقت که این امر به فوریت انجام خواهد شد دعوی را رسیدگی نماید و در هر حال طرح دعوی مطالبه نفقه که از جمله دعاوی مالی است توسط غیررشید مباشرتاً صحیح نمی‌باشد و می‌بایست توسط قیم طرح شود.

آقای دانش‌آرا (مجتمع قضائی شهید مفتاح):

با عنایت به تصریح بند ۳ از ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی که از جمله ایرادات

که در مورد اقارب نفقه هرچند تکلیف است لیکن حق نیست که قابل مطالبه باشد این چه حقی است که با غروب آفتاب از بین می‌رود (یعنی نفقه گذشته دین نیست) پس حتی اگر حکم هم صادر شود قابل اجرا نیست. زیرا خواه ناخواه حکم یا توجه به اینکه حق اعتراض و... در مورد آن مطرح است زمان آن تبدیل به گذشته می‌شود در این صورت قابلیت مطالبه ندارد و تنها راه حل این است که به صورت کیفری قضیه پیگیری شود که با استناد به ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری برای نصب قیم موقت اقدام شود و با استناد به ماده ۱۲۰۶ ق.م.ن. برای آتیه نفقه تعیین شود و با استناد به ماده ۶۴۲ ق.م.ن. در صورتی که از پرداخت نفقه استنکاف شود مستنکف مجازات شود در غیر این صورت با فرض اینکه نفقه گذشته دین نیست و قابل مطالبه نیست حتی اگر رای هم صادر شود قابلیت اجرا ندارد (متن ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی).

آقای دالوند (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۴ تهران):
نظریه اکثریت: شخصی که بالغ شده ولی رشید نشده است فقط حق اداره امور غیرمالی را دارد و در امور مالی ولی قبری تصمیم می‌گیرد مگر آنکه از طریق دادگاه رشد خود را ثابت نماید در این فرض چون موضوع جنبه مالی دارد و از سوی خواهان نیز رشید نیست و دعوی نیز متوجه ولی قبری می‌باشد لذا بلوا با توجه به ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی بایست ولی عزل شود و پس از عزل وی نسبت به تعیین قیم اقدام که قیم نسبت به مطالبه نفقه اقدام کند.

رای وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۶۴/۱۰/۳ نیز موید مطلب است چنانچه در این رای نصب قیم برای افراد غیررشید که ولی خاصی ندارند را ضروری دانسته و در موضوع سئوال چون طفل ولی خاص دارد ولی دعوی متوجه آنها می‌باشد بنابراین می‌بایست ابتدا ولی عزل شود سپس نسبت به تعیین قیم اقدام کرد.

نظر اقلیت بدون عزل ولی نیز می‌توان نسبت به تعیین قیم اقدام کرد ضرورتی برای عزل نیست.

آقای نصراله پور (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۲ تهران):

با عنایت به تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ و ماده ۱۲۱۸ به بعد قانون مدنی و آرای وحدت رویه شماره ۵۱۸ مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۸ و ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳ و قانون رشد متعاملین و ماده واحده قانون راجع به تعیین قیم اتفاقی مصوب ۱۳۱۶/۲/۲۶ اشخاص بالغ غیررشید چه در دعوی مدنی و چه در دعوی کیفری که مستلزم مطالبه مال می‌باشد شخصاً حق اقامه دعوی را ندارند و ولی یا قیم آنها می‌بایست طرح دعوی یا شکایت نمایند و همچنین موید آن نیز ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری و نظرات مشورتی به شماره‌های ۷/۱۷۳۲ مورخ ۷۶/۴/۱۱، ۷۵/۷/۱۵۱ مورخ ۷۸/۱۱/۱۸ و ۷/۲۰۶۰ مورخ ۷۵/۴/۲۲ اداره حقوقی قوه قضائیه می‌باشد.

آقای منصوری (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب):
ابتدا باید بیان شود که مطالبه نفقه اقارب حق ذمی است یا صرفاً جواز مطالبه است بدین معنا که اگر حق ذمی باشد در حق ذمی ما ذی حق و من علیه الحق داریم که با اداء حق افرار ذمه می‌نماید ولی در جواز مطالبه‌ها با حکم شرعی و به تعبیری تکلیف محض مواجه هستیم که الزاماً روابط حق ذمی در آن محقق نیست هرچند حق مطالبه وجود دارد ولی این حق از نوع

شخصی که بالغ شده ولی رشید نشده است فقط حق اداره امور غیرمالی را دارد و در امور مالی ولی قبری تصمیم می‌گیرد مگر آنکه از طریق دادگاه رشد خود را ثابت نماید در این فرض چون موضوع جنبه مالی دارد و از سوی خواهان نیز رشید نیست و دعوی نیز متوجه ولی قبری می‌باشد لذا بلوا با توجه به ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی بایست ولی عزل شود و پس از عزل وی نسبت به تعیین قیم اقدام که قیم نسبت به مطالبه نفقه اقدام کند

و موانع در امر رسیدگی را، عدم رشد خواهان اعلام نموده است و همچنین مفاد ماده واحده قانون راجع به رشد متعاملین که به نحو عام و کلی، کلیه اعمال حقوقی اشخاص به استثناء نکاح و طلاق را از حیث قابلیت پذیرش منوط به احراز سن ۱۸ سال تمام شمسی در افراد نموده و کسانی را که به سن ۱۸ سال تمام نرسیده اند، غیررشد دانسته است، مگر آنکه رشد آنها به اثبات رسیده باشد و همچنین ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره های آن که به نوعی مفید همان معنی در این مورد خاص - البته با تفاوت ها و تعارضاتی که در متن ماده و تبصره های آن وجود دارد - می باشد، نتیجتاً شخص غیررشد امکان طرح دعوی مذکور را مباشرتاً نخواهد داشت مگر آنکه قبل یا همزمان با طرح دعوی مذکور با تقاضای وی، رشد وی در محکمه به اثبات برسد و یا آنکه به نوعی از جمله اجرای مفاد ماده ۵۶ قانون امور حسبی که اشعار می دارد: «هریک از دادگاه ها که در جریان دعوی مطلع به وجود محجوری شود که ولی یا وصی با قیم نداشته باشد، باید به دادستان برای تعیین قیم اطلاع بدهد.» برای شخص غیررشد مذکور در صورت وجود شرایط اخبارالذکر (در غیاب ولی یا وصی) نصب قیم شود. پاره ای مواد فصل دوم از کتاب دهم قانون مدنی نیز مشعر بر این معنا می باشد. آنچه نظریه مذکور را تقویت می نماید، جنبه مالی داشتن نوع مطالبه است، چرا که مطابق تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰، اموال صغیر را که بالغ شده است در صورتی می توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد. دیگر مواد مرتبط نیز دلالت بر ممکن نبودن تصرفات اشخاص غیررشد در اموال دارد و نوعاً حقوقدانانی که عقیده بر جواز اقدامات اشخاص بالغ غیررشد در امورات مربوطه دارند، آنها را منحصر به امورات غیرمالی می دانند که از فرض سؤال خروج موضوعی دارد. بدیهی است حضور قیم در دعوی، رعایت و مصلحت و غبطه شخص غیررشد را در پی خواهد داشت.

آقای حسینی (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳ تهران):
به موجب ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی نفقه اولاد که غیررشد هم جزو آن است بر عهده پدر می باشد اصل کلی که مواد ۱۲۰۸ و ۱۲۱۷ قانون مدنی در خصوص غیررشد بدان اشاره می کنند آن است که تصرفات غیررشد در اموال و حقوق مالی اش جایز نبوده و اداره اموال ایشان بر عهده ولی یا قیم نهاده شده است. اقامه دعوی حقوقی اگر راجع به امور مالی غیررشد باشد که دعوی نفقه هم جزو آن است تصرف در امور مالی محسوب می شود که به صراحت قانون مدنی غیررشد مستقلاً حق مداخله در امور مالی را ندارد در امور کیفری ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری تکلیف را در خصوص شکایت کیفری غیررشد علیه ولی قهری یا اشخاص ثالث مشخص کرده و به دادستان اجازه داده تا در صورتی که ولی قهری طرف دعوی می باشد قیم موقت برای غیررشد تعیین شود اما در مورد دعاوی حقوقی نص قانونی خاصی که بدین صورت صراحت در موضوع داشته باشد وجود ندارد اما از مفاد ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی که اشعار می دارد «هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید... به تقاضای یکی از اقارب وی یا درخواست رئیس حوزه قضایی، دادگاه ولی مذکور را عزل و... فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین خواهد کرد.» اینگونه استنباط نمود که هرگاه ولی قهری نفقه غیررشد را که مستحق دریافت نفقه است نپردازد در واقع رعایت غبطه وی را ننموده

و باید برای ایشان قیم تعیین گردد که در این صورت قیم می تواند به قیمیت از غیررشد علیه ولی قهری دادخواست مطالبه نفقه طرح کند بدیهی است که اگر غیررشد دارای جد پدری باشد نیازی به تعیین قیم نبوده و جد پدری به ولایت قهری از سوی ایشان به طرفیت پدر مطالبه نفقه خواهد کرد. چنانچه غیررشد بدون اخذ گواهی رشد اقامه دعوی کند دادگاه باید به لحاظ عدم اهلیت قانونی خواهان قرار رد دعوی را صادر نماید. البته مطالبه نفقه زوجه کمتر از ۱۸ سال از این قاعده مستثنا می باشد.

نظر قضات محترم مجتمع قضایی ولیعصر (عج):

بنا بر نظریه اکثریت حاضر در جلسه (۱۴ نفر) و بر اساس بند سوم ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۱۲۱۰ و ۱۲۰۷ و ۱۲۰۸ قانون مدنی و رای وحدت رویه شماره ۳۰/۱۰/۳/۶۴ صادره از هیات عمومی دیوانعالی کشور و نظریه اداره حقوقی ۷/۲۰۶۰/۷/۲۲۴/۷۵/۴/۲۲ منظور گردید که اطفال بالغ غیررشد در امور کیفری می توانند راساً اقدام به طرح شکایت کیفری نمایند ولی در مورد مطالبات حقوقی راساً نمی توانند اقدام به طرح شکایت نمایند و ولی یا قیم وی باید از طرف وی اقدام به طرح دعوی حقوقی نماید و دادگاه نیز باید به این امر توجه نماید و از جمله ایرادات خواننده نیز می تواند باشد و در صورت عدم پرداخت نفقه توسط ولی اگر جد پدری وی در قید حیات باشد جد پدری وی علیه پدر اقدام به تقدیم دادخواست می نماید و در غیر این صورت دادستان با نصب قیم موقت اقدام به طرح دعوی و مطالبه نفقه می نماید.

آقای پسندیده (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۵ تهران):
حدوث ابهام در فرض سؤال از عبارت موجود در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره ۲ ناشی شده است. آنچه که در فقه آمده است بحث از بلوغ افراد است که به موجب تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون فوق سن بلوغ در پسر ۱۵ سال قمری و در دختر ۹ سال قمری می باشد. متن ماده ۱۲۱۰ قانون فوق اظهار می دارد که هیچ کس را نمی توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود، مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. بر حسب قوانین مربوطه اشخاص در یکی از سه حالت ذیل ممکن است موضوع بحث باشند: ۱- اشخاص زیر سن بلوغ که این افراد بالغ نیستند و محجور محسوب می شوند و باید تحت حمایت ولی قهری در صورت فقدان ولی قهری، تحت حمایت مادر و یا قیم باشند. ۲- اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال این افراد دارای بلوغ شرعی می باشند و دیگر این افراد محجور محسوب نمی شوند ولی راجع به امور مالی باید قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال، رشد آنها از جانب دادگاه ثابت شده (حکم رشد صادر شود) و یا اینکه به سن ۱۸ سال تمام برسند. ۳- اشخاص بالای ۱۸ سال که این افراد، رشید محسوب می شوند و نیازی به صدور حکم رشد از جانب دادگاه نیست.

آنچه که از مجموع مقررات و رویه های قضایی استنباط می شود این است که هیچ تعارضی بین متن ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره ۲ آن وجود ندارد چرا که تلقی نکردن اشخاص بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون و یا عدم رشد (محجور) به معنای اثبات رشد آنها نیست. چرا که رسیدن به سن بلوغ شرعی و خروج از حجر متمایز از رشد می باشد به موجب نظریه شماره ۷/۱۰۴۸۳/۷/۱۱/۳/۱۳۸۰/۱۱/۳ اداره حقوقی

در صورت عدم پرداخت نفقه توسط ولی اگر جد پدری وی در قید حیات باشد جد پدری وی علیه پدر اقدام به تقدیم دادخواست می نماید و در غیر این صورت دادستان با نصب قیم موقت اقدام به طرح دعوی و مطالبه نفقه می نماید

قانون آیین دادرسی کیفری کلیه جرایم دارای جنبه الهی است، شکایت کیفری از جانب بالغ غیررشید بلاشکال است (البته مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم چون مستلزم تقدیم دادخواست است نیازمند اثبات رشد است.)
نظریه اکثریت اعضای محترم کمیسیون حاضر در جلسه (۸۵/۱۰/۱۴):

در خصوص مطالبه نفقه گذشته توسط اشخاص مذکور در فرض سؤال از طریق اقامه دعوی حقوقی باید گفت؛ با توجه به قسمت اخیر ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی که اشعار می‌دارد: «... اقارب نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه نفقه کنند.» نفقه گذشته این اشخاص (اقارب) دین محسوب نمی‌گردد لذا قابل مطالبه نیست و اقامه دعوی حقوقی منتفی است.

اما بر فرض اینکه نفقه مذکور قابل مطالبه هم باشد نامبردگان در سؤال به لحاظ عدم اهلیت قانونی نمی‌توانند اقامه دعوی نمایند ضمن اینکه با وجود و حضور ولی خاص تعیین قیم برای این اشخاص جهت پیگیری ادعای حقوقی ممکن نیست لذا در صورت اقامه چنین دعوی، دعوی مذکور به موجب بند ۳ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی قابل رسیدگی نخواهد بود از جمله دلایل این منع قانونی می‌توان مواد ۱۲۰۷ و ۱۲۰۸ و تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ و ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی و وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳۰ هیات عمومی دیوانعالی کشور و قانون رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳/۶/۱۳ و ماده واحده قانون راجع به تعیین قیم استثنای مصوب ۱۳۱۶/۲/۲۶ را نام برد.

اما در صورت امتناع ولی از پرداخت نفقه آتیه (جاری) اشخاص مذکور می‌توانند با توجه به ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی از طریق اعلام شکایت کیفری اقدام نمایند در این صورت برابر قسمت اخیر ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری با تعیین قیم موقت برای شخص یا اشخاص یاد شده موضوع قابل رسیدگی بوده و قیم مذکور با رعایت غبطه مولی علیه خود اقدام خواهد کرد.

نظریه اقلیت اعضای محترم کمیسیون حاضر در جلسه (۸۵/۱۰/۱۴):

نمی‌توان گفت که اشخاص یاد شده موضوع سؤال اساساً حق اقامه دعوی جهت مطالبه نفقه گذشته را ندارند زیرا ممنوع بودن صغیر یا غیررشید در امور مالی خود به جهت رعایت غبطه او است و مانحن فیه نیز مطالبه نفقه در جهت غبطه او می‌باشد ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی اجازه تملک بلاعوض به صغیر ممیز را که خیلی نزدیک به شخص بالغ غیررشید است داده است پس می‌توان گفت شخص بالغ غیررشید به طریق اولی می‌تواند تملک بلاعوض کند. مطالبه نفقه نیز نوعی تملک بلاعوض محسوب می‌شود با عنایت به مراتب فوق و با توجه به اینکه با حضور و وجود ولی خاص نمی‌توان برای شخص یا اشخاص موضوع سؤال در امور حقوقی قیم تعیین کرد بنابراین باید به خود آنها اجازه طرح چنین دعوی داد رای وحدت رویه ای که اخیراً در مورد پذیرش دعوی اعسار بالغ غیررشید صادر گردیده نیز موید همین نظر است منتبیه چون برابر قسمت اخیر ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی نفقه گذشته اقارب قابل مطالبه نیست طرح چنین دعوی (مطالبه نفقه گذشته) و جاهد قانونی ندارد.

قوه قضائیه مطابق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی اصل بر رشد دختر پس از رسیدن به سن بلوغ است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. لکن با توجه به تبصره ۲ ماده مذکور این رشد، رشد معاملاتی نیست و رسیدن به سن بلوغ به تنهایی کافی برای دخل و تصرف صغار در اموال خود نمی‌باشد، مگر اینکه رشد معاملاتی آنها در دادگاه به اثبات برسد. در مورد کسانی که طبق شناسنامه دارای ۱۸ سال شمسی می‌باشند ماده واحده قانون راجع به رشد متعاملین مصوب شهریورماه ۱۳۱۲ رسیدن به سن ۱۸ سال را اماره رشد دانسته است. بنابراین این گونه اشخاص رشید محسوب می‌شود ولی اشخاص کمتر از ۱۸ سال در صورتی رشید محسوب می‌شوند که حکم رشد آنها از دادگاه صادر شود. رای وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳۰ هیات عمومی دیوان عالی کشور موید این امر می‌باشد. افراد یا وجود رسیدن به سن بلوغ تا وقتی به سن ۱۸ سال تمام نرسیده باشند پدر یا جد پدری یا قیم ماذون، می‌تواند بدون حضور وی مبادرت به نقل و انتقال اموالش بنماید. (نظریه شماره ۷/۸۸۳۳ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۳۰) با عنایت به مراتب فوق پاسخ اینگونه می‌شود که اگر شخص بالغ غیررشید ولی قبری داشته باشد ولی قبری راجع به امور مالی صغیر اقدام خواهد کرد. لکن چنانچه خود ولی قبری مخاطب شکایت طفل باشد طبق مقررات نسبت به تعیین قیم اتفاقی اقدام خواهد شد. چنانچه شخص دارای ولی قبری نباشد، دخالت در امور مالی توسط نامبرده ممکن نیست بلکه باید تمام اقدامات توسط قیم نامبرده انجام شود. قابل ذکر است چنانچه شخص بالغ غیررشید برای مطالبه نفقه علیه همسر خود اقامه دعوا نماید توجها به اینکه اذن به ازدواج از جانب ولی قبری صادر شده است و توجها به حفظ حقوق خانواده و اقدام در جهت حفظ کیان خانواده به نظر می‌رسد که اینگونه اشخاص بتوانند مستقلاً نسبت به مطالبه نفقه اقدام نمایند.

آقای یآوری (دادیار دادرسی دیوانعالی کشور):
با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و رای وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳۰ هیات عمومی دیوان عالی کشور، صرف بلوغ شرعی دلیل رشد عقلی نیست و چنین اشخاصی در صورتی حق مداخله در امور مالی خود را دارند که رشد آنان در محکمه به اثبات رسیده باشد.

از طرفی، اقامه دعوی حقوقی در امور مالی معمولاً مستلزم پرداخت هزینه دادرسی و سایر هزینه‌های جنبی است و چون اقامه دعوی مقدمه ای است جهت تحصیل مال، لذا طرح دعوی توسط غیررشید مسموع نیست و بر فرض که قائل به این باشیم که اقامه دعوی مانعی ندارد ولی از آنجا که محکوم به را تحویل غیررشید نمی‌دهند، نفعی بر چنین دعوی بار نیست.

نظریات شماره ۷/۳۸۴۸ مورخ ۸۱/۶/۶ و ۷/۱۰۴۸۳ مورخ ۸۰/۱۱/۳ و ۷/۸۸۲۳ مورخ ۸۰/۱۱/۲ و ۷/۲۰۶۰ مورخ ۷۵/۴/۲۲ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز موید این است که شخص بالغ زمانی حق مداخله در امور مالی خود را دارد که حکم رشد وی صادر شده باشد. بنابراین به اعتقاد اینجانب بالغ غیررشید حق اقامه دعوی حقوقی ندارد ولی در مورد شکایت کیفری، چون مطابق ماده ۲

اگر شخص بالغ غیررشید ولی قبری داشته باشد ولی قبری راجع به امور مالی صغیر اقدام خواهد کرد. لکن چنانچه خود ولی قبری مخاطب شکایت طفل باشد طبق مقررات نسبت به تعیین قیم اتفاقی اقدام خواهد شد. چنانچه شخص دارای ولی قبری نباشد، دخالت در امور مالی توسط نامبرده ممکن نیست بلکه باید تمام اقدامات توسط قیم نامبرده انجام شود

پرونده هموفیلی‌ها

● قسمت دوم

○ صادره از شعبه ۱۰۶۰ عمومی و انقلاب تهران

در شماره ۴۱ وعده دادیم که متن پرونده هموفیلی‌ها را در چند شماره در اختیار شما قرار دهیم. اینک نظر شماره به قسمت دوم این پرونده جلب می‌نماییم.



خلاصه پرونده کیفری به شماره ۳۵۰/۱۴۱۳/۷۶ و مستندات آن در بخش‌های اول و دوم پرونده متشکله که رای کیفری دادگاه بدوی به استناد آن صادر شده است:

الف) قسمت اول خلاصه پرونده کیفری

در رابطه با قسمت اول پرونده یعنی موضوع مجبزی نبودن پالایشگاه خون به سیستم ویروس زدایی منبهم ردیف اول پرونده دکتر ... در اولین بازجویی خود در تاریخ ۷۶/۷/۳۰ صراحتاً در پاسخ به این سؤال که فاکتورهای تولیدی ایرانی ویروس زدایی می‌شوند یا خیر؟ اگر نمی‌شود چرا؟

گفته‌اند: نکته اصلی این است که تکنولوژی مهم و پیشرفته ویروس زدایی برای فرآورده‌های با خلوص می‌باشد که در داخل کشور وجود ندارد. زیرا روش‌های مختلف ویروس زدایی با گرما یا S/D نیازمند عملکرد بر روی فاکتورهای ۸ با خلوص بالا می‌باشد. زیرا فاکتورهای با خلوص بالا کمتر در داخل تولید می‌شود و فاکتورهای با خلوص کمتر هم در مجاورت گرما دچار از بین رفتن و سوختن بخاطر میزان فیبرینوژن میگردد. در مجموع علت اصلی در تولید فاکتور با خلوص متوسط و عدم ویروس زدایی، عدم امکان تکنولوژیکی کشورهای غربی و بخصوص در رابطه با روش S/D که انحصاراً در اختیار آمریکاست، می‌باشد.

و در قسمت دیگر از سؤالات و پاسخ به سؤال: این روش در اختیار کشور ما می‌باشد یا خیر؟ توان کشور ایران برای ویروس زدایی حداقل فرآورده‌های داخل چیست؟ اظهار می‌دارند همانگونه که در سؤال قبلی عرض شد روش‌های مختلف ویروس زدایی به علت تکنولوژی مورد نیاز ساخت فرآورده خالص

در اختیار کشور نمی‌باشد. بخصوص روش S/D روش گرمایی بخاطر عدم خلوص بالا امکان اجرایی ندارد (مستند شماره ۹). سرکار خانم ... از کارشناسان اداره دارو نیز در بازجویی خود در تاریخ ۷۷/۱/۲۱ در اداره آگاهی در پاسخ به این سؤال که سازمان انتقال خون فاکتور ۸ و ۹ را از چه تاریخی تولید می‌کرده است، می‌گوید:

از سال ۱۳۵۹ سری‌های آزمایشی و تخصصی فاکتورها را تولید می‌نموده‌اند. در سال ۱۳۷۱ تقاضای تولید انبوه نموده‌اند و طبق نامه شماره ۵/۴۲/۷۴۶۶ د مورخ ۷۱/۷/۲۵ از سازمان مذکور درخواست مدارک لازم جهت بررسی شده است. در سال ۱۳۷۳ مدیرعامل سازمان درخواست بازرسی و بازدید محل و وسایل را نموده‌اند، بعد از بازرسی و آماده شدن شرایط کار طبق نامه ۵/۲۲/۶۸۶۶ ک مورخ ۷۴/۶/۱ مجدداً درخواست مدارک جهت پروانه ساخت و تولید عملی فاکتور ۸ و ۹ بصورت غیر رسمی از سال ۱۳۷۴ بوده، سری‌های اول به علت لخته مورد شکایت و نمونه برداری قرار گرفته و با جواب غیر قابل قبول آزمایشگاه کنترل دارو دستور جمع‌آوری صادر شده است. در تاریخ ۷۴/۱۰/۹ و ۷۴/۱۱/۲۳ مرکز مورد بازرسی قرار گرفته و در تولیدات کم طبق نوشته کارشناس دارویی اشکالی مشاهده شده است. بنابراین تولید رسمی سازمان برای فاکتور ۸ و ۹ از سال ۱۳۷۴ می‌باشد که چند سری مورد نمونه برداری قرار گرفته‌اند. سری‌های قابل قبول توزیع و برای سری‌های غیر قابل قبول دستور ضبط داده شده است. در سال ۱۳۷۵ از آزمایشگاه کنترل دارو تقاضای مدارک ویروس زدایی نموده‌اند. در تاریخ ۷۶/۷/۲۱ به علت

عدم ارائه سیستم ویروس زدایی دستور توقف تولید داده شده است. (مستند ۱۰ پیوست جلد دوم پرونده کیفری شامل تصویر تحقیقات اداره آگاهی از خانم ... دستور تعطیلی پالایشگاه، دکتر ... سرکار خانم ... نیز که از کارشناسان اداره دارو می‌باشد نیز در پاسخ به سؤال:

توضیح دهید آیا مرکز پژوهش و پالایش انتقال خون ایران برای تولیدات خود از شما تقاضای صدور پروانه کرده است؟ چگونگی آن را بفرمایید، گفته‌اند: سازمان انتقال خون طی نامه شماره ۳۹۷۰ مورخ ۷۴/۱۰/۱۱ پرونده ساخت فاکتور ۹ انعقادی انسانی، فاکتور ۸ انعقادی انسانی، ایمونوگلوبولین ضد هاری انسانی، گاما گلوبولین وسیع را ارسال نموده است که برای هیچکدام از موارد فوق دلیل نقص مدارک ارسالی پروانه صادر نشده است و در مورد فاکتور هشت طی بند شماره ۲۲ نامه ۵/۴۳/۴۹۲۳۰ ک مورخ ۷۶/۴/۱۷ درجه حرارت و مدت زمان برای ویروس زدایی خواسته شده است.

سرکار خانم دکتر ... در ارائه اظهارات خود صراحتاً مطرح نموده‌اند:

علیرغم اعلام ویروس زدایی فرآورده در پرونده‌های مذکور اداره فنی و نظارت اعلام می‌دارد سازمان مذکور سیستم ویروس زدایی ندارد. (مستند شماره ۱۱ جلد دوم کیفری)

سرکار خانم دکتر ... مسئول صدور پروانه اداره نظارت بر دارو نیز در اظهارات خود صراحتاً اعلام می‌نمایند:

تاکنون هیچگونه پروانه ساخت محصول از طرف اداره صدور پروانه برای انتقال خون صادر نگردیده است. (مستند شماره ۱۲ خلاصه)

ویروس زدایی آون حرارت خشک بود که در اقلام تجهیزات دیده شد و خریداری گردید. تکنولوژی مربوط به ویروس زدایی در قرار داد با این کمپانی نبود و امکان و توان علمی و تخصصی در این زمینه را خود نداشتند و بایستی از منابع انحصاری و تحت لیسانس کسب می گردید که در زمان انعقاد قرار داد سال ۱۳۶۷ امکان پذیر نبود.

مشاور علمی مرکز پژوهش و پالایش خون در ادامه اظهارات خود در پاسخ به اینکه چرا در قرار داد سال ۱۳۶۷ مورد ویروس زدایی پیش بینی نگردیده است، صادقانه اعتراف می نماید:

بررسی های مقدماتی حصول استفاده از حرارت خشک را امکان پذیر می نمود ولیکن در عمل هنگامیکه یک آون ویروس زدایی اهدایی از طرف سازمان بهداشت جهانی در

محل سابق پالایش پلاسما در ساختمان شماره یک، خیابان استاد نجات الهی راه اندازی گردید. (فکر می کنم سال ۱۳۷۲ بود) به این مشکل برخوردیم که امکان استفاده از حرارت برای فاکتور ۸ حد واسط تولید سازمان (میسر) نیست و علیرغم پژوهشهایی که صورت گرفت نیز این مشکل رفع نگردید و تا بحال هم این امکان میسر نگردیده است. (مستند شماره ۱۷ جلد دوم پرونده کیفری)

وکلای انتقال خون نیز علیرغم اظهارات صریح موکلین خود در مراحل بازجویی در تلاش بودند که با کسب استعلام های دولتی سازمان انتقال خون را از اخذ پروانه معاف جلوه دهند (مستند شماره ۱۸ جلد سوم پرونده کیفری). و حتی اقدام حقوقی نیز در این رابطه انجام دادند در حالیکه توجه به مواد اساسنامه سازمان انتقال خون که (تولید فرآورده های

خونی و پلاسمایی را با تعریف وزارت بهداشتی) ممکن می دانسته است که در استعلام حقوقی (با تعریف وزارت بهداشتی) حذف گردیده است. (مستند شماره ۱۹ جلد سوم پرونده کیفری) مدیر کل دفتر وزارتی وقت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی که اتفاقا بعدا ریاست انتقال خون را بر عهده می گیرد و از اعضای شورای عالی انتقال خون بوده است نیز در نامه ای به ریاست دادگاه وقت تعطیلی

خط تولید پالایشگاه را به رئیس جدید نسبت می دهد (مستند شماره ۲۰ از جلد سوم پرونده کیفری) در حالیکه اسناد موجود در پرونده بروشنی نشان می دهد که اداره نظارت بر دارو دستور تعطیلی خط تولید فرآورده های انعقادی را صادر کرده است. این دستور

تناقص اساسی با نظر اداره حقوقی وزارت بهداشت که سازمان انتقال خون را ملزم به اخذ پروانه در رابطه با تولیدات خود نمی داند دارد (مستند شماره ۲۱ جلد سوم از پرونده کیفری). این سند از مهمترین اسناد پرونده کیفری است. مدیر کل آزمایشگاه های کنترل و تشخیص طبی این وزارت خانه در تاریخ



صادر گردیده است. دکتر . . . همچنین در پاسخ به (مستند شماره ۱۵ جلد سوم کیفری) که حاوی صورت جلسه مهم شورای تولید می باشد و طی نامه شماره ۱۷۱۱/پ/خ مورخ ۷۵/۸/۲۶ با ایشان تحویل و در آن توصیه گردیده که با توجه به عدم ویروس زدایی فرآورده های خونی یا تولید متوقف شود و یا موضوع به اطلاع مصرف کنندگان برسد، در اظهارات خود از تکذیب موضوع خودداری کرده و با اظهار اینکه در رابطه با اختیارات تصویبی و وظایف محوله به شوراهای مربوطه اینجانب با پیشنهادات کارشناسی و اجرائی آن موافقت کرده ام و مراتب از طرف مبادی ذریبط می بایست اجرائی می گردیده است. اجرای آن را وظیفه دیگران دانسته است.

در جمع بندی انجام شده به تاریخ ۷۷/۲/۸ شماره ۱۳/۱۷۷/۷۶. ۱۶/۱۰۸/۱ ریاست محترم دایره کشف جرائم اداره آگاهی حسب اظهارات متهمین پونده و مطلعین به صراحت نسبت به مجوز نبودن پالایشگاه خون به سیستم ویروس زدایی اظهار نظر گردیده است. در این گزارش دستور توقف تولید توسط آقای دکتر . . . متهم ردیف دوم پرونده کیفری محور ارائه اظهارات دیگران قرار گرفته است و با مستندات کافی متکی به اظهارات متهمین و مطلعین، عدم صلور پروانه و مجوز نبودن پالایشگاه به سیستم ویروس زدایی را تایید نموده اند. (مستند شماره ۱۶ جلد اول پرونده کیفری)

همچنین آقای . . . از اعضای موثر مرکز پژوهش و پالایش سازمان انتقال خون و مشاور علمی مرکز پژوهش و پالایش در اظهارات خود در اداره آگاهی به تاریخ ۱۳۷۳/۳/۱۶ در پاسخ به این سؤال که: بالاخره پالایشگاه خون از چه کشوری خریداری گردیده و چرا مجوز به سیستم ویروس زدایی نبود؟ می گوید تجهیزات پالایشگاه از کشور آلمان (کمپانی (SEN خریداری گردید. در آن زمان سیستم

مسئول دایره کشف جرم اداره آگاهی، آقای انصاری در صفحه ۵ گزارش خود به ریاست محترم شعبه ۳۷ دادگاه عمومی تهران در جمع بندی خود از مجموعه بازجویی های انجام شده صراحتا اظهار می نماید:

با توجه به موارد ذکر شده از ناحیه مسئولین ذریبط در وزارت بهداشت و درمان و آنچه بنظر می رسد، تولیدات غیر قانونی و غیر قابل قبول ویروس زدایی نشده، فاکتورهای ۸ و ۹ از سوی سازمان انتقال خون می باشد که علیرغم نداشتن پروانه تولید از سال ۱۳۵۹ به صورت آزمایشی و از سال ۱۳۷۳ بصورت رسمی با افتتاح مرکز پژوهش و پالایش مبادرت به تولید فاکتورهای خونی کرده اند. ضمن اینکه به دفعات از سوی مدیر کل آزمایشگاه های کنترل تشخیص طبی وزارت بهداشت و درمان نمونه های ارسالی غیر قابل

قبول بوده و دستور جمع آوری آنان صادر شده است. (مستند شماره ۱۳ خلاصه جلد دوم پرونده کیفری) صورتجلسه شورای تولید به تاریخ ۷۵/۷/۱۴ از اسناد بسیار مهم و قابل توجه در رابطه با مجوز نبودن پالایشگاه به سیستم ویروس زدایی است: در این صورتجلسه ضمن تایید مشکل ویروس زدایی و همچنین لخته شدن فاکتورهای انعقادی بوسیله آقایان دکتر دکتر و سرکار خانم دکتر . . . مسئول کنترل کیفی پالایشگاه به مدیر عامل پیشنهاد گردیده است:

- تا زمانی که عمل ویروس زدایی بر روی فاکتورهای انعقادی انجام نمی شود در صورت موافقت مدیر عامل محترم سازمان مانند سایر کارخانجات تولید کننده فاکتورهای انعقادی روی جعبه قید شود که ریسک انتقال بیماریهای ویروسی شناخته یا ناشناخته وجود دارد.

- مانند همه مراکز مشابه در دنیا، مسئولین ذریبط استانداردهای ملی را تلویین کنند.

- با توجه به عدم ویروس زدایی فاکتورهای انعقادی و امکانات موجود وزارت بهداشت درمان و مشخص نماید، آیا تولید ادامه یابد یا خیر؟ و اجازه مصرف محصول ویروس زدایی نشده فعلی گرفته شود. (مستند ۱۴ جلد سوم پرونده کیفری).

دکتر . . . در برگ اظهارات خود در تاریخ ۷۷/۲/۸ در پاسخ به این سؤال که آیا مرکز پژوهش و پالایش خون که سال ۱۳۷۳ افتتاح گردیده است مسئول فنی داشته است یا خیر؟ (مستند ۱۵ جلد دوم کیفری) پاسخ می دهد: متأسفانه آنگونه که در قانون مربوطه وزارت بهداشت صراحت دارد خیر.

ولی بصورت داخلی آقای دکتر . . . و پس از سال ۱۳۷۴ به بعد آقای دکتر . . . موارد و فعالیت هایی که مربوط به مسئولیت فنی بوده است را ارجاعی نموده اند در جلسات شرکت و به وزارت بهداشت نیز معرفی شده بودند و در سال ۱۳۷۶ پروانه ایشان

۱۳۷۴/۵/۵ با شماره ۴/۴۶۳۴ کی خطاب به آقای دکتر ... معاونت امور درمان و دارو وقت اظهار داشته است: محترماً در پاسخ نامه شماره ۵/۱۸۲۸ مورخ ۷۴/۴/۴ به استحضار می‌رساند تا این تاریخ واکسینا و فرآورده‌های بیولوژیک تولید داخل جهت کنترل کیفی به اداره ارسال نشده‌اند و موسسات تولید کننده از قبیل انستیتو پاستور و انستیتو رازی و سازمان انتقال خون کنترل‌های کیفی لازم را روی فرآورده‌های تولید شده انجام داده و از طریق وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در سطح مملکت توزیع می‌نماید. بدینوسیله خواهشمند است، دستور

فرمائید، کلیه موسسات فوق‌الذکر ضمن اقدام جهت تهیه مدارک برای ثبت داروهای مذکور، اعمال نظارت‌های فعلی وزارت بهداشت نیز بر آنها جاری و تسری شود. (مستندات شماره ۲۲ جلد سوم پرونده کیفری) مسیر وقایع و اسناد موجود در پرونده که به ترتیب ارائه گردیده به خوبی نشان دهنده جاری شدن این نظر قانونی وزارت بهداشت می‌باشد که در تناقض اساسی با ادعای مجاز بودن انتقال خون به تولید بدون پروانه است. (مستندات شماره ۲۳ خلاصه جلد سوم پرونده کیفری)

دکتر ... مدیرکل اداره نظارت بر دارو در تاریخ ۷۴/۴/۶ ضمن تایید نظر مدیر کل آزمایشگاه کنترل و تشخیص طبی دستور لازم را به سازمان انتقال خون، موسسه رازی و انستیتو پاستور جهت اقدام جهت پروانه و مجوز ساخت اعلام می‌نماید. قبل از این اقدام اداره کل دارو ضرورت قانونی اخذ مجوز تولید فرآورده‌های خونی برای دکتر ... کاملاً مسجل بوده است و ایشان از یک سال قبل یعنی در تاریخ ۷۳/۵/۱۳ چند روز پس از افتتاح پالایشگاه رسماً از اداره دارو درخواست می‌نماید برای صدور پروانه ساخت فرآورده‌های دارویی از این مرکز بازدید به عمل آورند. (مستندات شماره ۲۴ جلد سوم پرونده کیفری) و در سال ۱۳۷۴ در نامه شماره ۱۰۴۲۲ مورخ ۱۳۷۴/۷/۲۹ دکتر ... به همین موضوع تاکید و نکته مهمی را در نامه خود افشاء می‌نماید. ایشان می‌گوید: از آنجایی که تاکنون فرآورده‌های بیولوژیکی وارداتی جهت انجام آزمایشات کنترل کیفی از طریق اداره کل آزمایشگاه‌های کنترل به این سازمان ارسال می‌گردید، چنین بنظر می‌رسید که اداره فوق فاقد امکانات کافی و لازم در این خصوص باشد. این اظهار نظر به روشنی مسئولیت سازمان انتقال خون را حتی در رابطه با فرآورده‌های وارداتی روشن می‌نماید. (مستند شماره ۲۵ جلد سوم پرونده کیفری)

خاتم دکتر ... از کارشناسان اداره دارو در گزارشی که پس از ارسال نامه کانون هموفیلی از مرکز پژوهش و پالایش در مورخ ۷۶/۷/۱ بازدید کرده است، صراحتاً اعلام می‌نماید در حال حاضر

یکی از کارمندان سابق سازمان انتقال خون در این باره می‌گوید: در روزهای قبل از افتتاح پالایشگاه با توجه به اینکه سراسر پالایشگاه را موش‌های عظیم‌الجثه و انواع حشرات پر کرده بودند تعداد ۴۰ الی ۵۰ عدد تله موش و مقداری پنیر خریداری و در محوطه داخلی پالایشگاه نصب گردید که با توجه به زیاد بودن موش‌ها موثر واقع نگردید و قرار بر نصب گردید که با توجه به زیاد بودن موش‌ها موثر واقع نگردید و قرار بر این شد که از سیستم صوتی استفاده گردد

سازمان انتقال خون روش ویروس‌زدایی را نداشته و در حال مذاکره و مکاتبه با کارخانجات معتبر و دارای تکنولوژی می‌باشند و بنظر می‌رسد این کار بفریفت امکان‌پذیر نمی‌باشد و در بخشی دیگر از گزارش مذکور ادامه می‌دهد:

بنظر کارشناسان بازدید کننده و با توجه به استانداردهای بین‌المللی و نظریه آزمایشگاه کنترل دارو توزیع فرآورده‌های خونی سازمان بدون انجام ویروس‌زدایی به صلاح نبوده و ایمنی لازم را دارا نمی‌باشد. (مستندات شماره ۲۶ جلد سوم پرونده کیفری)

۱- مجموعه مستندات بالا پاسخ آقای دکتر ... به نامه کانون هموفیلی معنی پیدا می‌کند وی در نامه شماره ۱۱۰۶ مورخ ۷۶/۶/۱۱ خود خطاب به کانون هموفیلی می‌گوید:

مسئله آلودگی عمومی ویروس در بیماران هموفیلی ایرانی که از فرآورده‌های ویروس‌زدایی نشده استفاده می‌نمایند نیست، سازمان انتقال خون ایران اگر روش‌های ویروس‌زدایی را هنوز استفاده نمی‌نماید ... (مستند شماره ۲۷ جلد سوم پرونده کیفری). بازرسی مأمورین اداره آگاهی از مرکز پژوهش و پالایش منجر به کشف گزارش دکتر ... به عنوان رئیس مرکز وقت در سال ۱۳۷۵ با نهایت تأسف برده از وضعیت غیر قابل قبول پالایشگاه برداشت ایشان در این گزارش نوشته است:

در آبان ماه ۱۳۷۴ نصب و راه‌اندازی واقعی تجهیزات انجام و نواقص ساختمانی و تجهیزاتی همچنان ادامه داشته که بعضی از این نواقص تأثیر گذار در خط تولید بودند. قبل آماده سازی اطاق استریل از وجود حشرات ریز، پشه، مگس، جیرجیرک و حیوانات بزرگتر مثل موش، رتیل، عقرب و ... که مدتی از وقت مفید تولید جهت سم‌پاشی و نابود سازی موجودات فوق صرف شد. (مستند شماره ۲۸ جلد سوم پرونده کیفری) این گزارش با حضور شاهدهی در دادگاه تکمیل می‌گردد وی که ... نام دارد و از کارمندان سابق سازمان انتقال خون ایران است در دادگاه شهادت می‌دهد. وی به عنوان

سرپرست خدمات و تدارکات می‌گوید: در روزهای قبل از افتتاح پالایشگاه با توجه به اینکه سراسر پالایشگاه را موش‌های عظیم‌الجثه و انواع حشرات پر کرده بودند تعداد ۴۰ الی ۵۰ عدد تله موش و مقداری پنیر خریداری و در محوطه داخلی پالایشگاه نصب گردید که با توجه به زیاد بودن موش‌ها موثر واقع نگردید و قرار بر این شد که از سیستم صوتی استفاده گردد. وی در ادامه اظهارات خود ضمن تایید گزارش دکتر ... که صراحتاً راه‌اندازی پالایشگاه را به آبان ۷۴ نسبت می‌دهد تاکید می‌نماید: همه می‌دانستند که افتتاح

پالایشگاه دکوری بوده است. (مستندات شماره ۲۹ جلد سوم پرونده کیفری) دکتر ... در دفاعیات خود اساساً اهدا یک دستگاه آون و ویروس‌زدایی توسط سازمان بهداشت جهانی را مستند وجود سیستم ویروس‌زدایی در سازمان اعلام کرده است و در هیچ‌یکدام از مدافعات خود نتوانسته است مدارکی دال بر خرید تکنولوژی ویروس‌زدایی ارائه دهد. وجود آون مذکور نه در گزارش‌های اداره دارو انکار شده است و نه مشاور علمی مرکز پژوهش و پالایش وجود آن را انکار کرده‌اند، آنچه که مورد انکار برخی از مطلعین و متهمین بوده است در اختیار نداشتن تکنولوژی ویروس‌زدایی بوده است. بر اساس ماده ۲ اساسنامه سازمان انتقال خون، تولید فرآورده‌های مختلف خونی (پلاسمایی و سلولی و مشابه آن) با تعریف و تعیین وزارت بهداشتی، از وظایف انتقال خون است و مسئول فنی مسئول حسن اجرای این ماده می‌باشد. از جمله وظایف مسئول فنی که بوسیله اداره دارو تعریف گردیده نظارت بر تهیه تاریخچه به نحوی که کلیه اطلاعات تولید و نتایج کنترل کیفی را داشته باشد، تحقیق و اثبات مطابقت اقدامات انجام گرفته برای اخذ پروانه ساخت، بوجود آوردن امکانات لازم برای بازرسی‌های دوره‌ای کارشناسان اداره کل نظارت بر امور دارو، نظارت بر تولید محصولات دارویی مشتمل بر فرمولاسیون ساخت، کنترل بسته بندی و نگهداری را انجام دهد. (مستند شماره ۳۰ جلد سوم پرونده کیفری) ... مرکز پژوهش و پالایش تا سال ۷۶ فاقد چنین مسئولیتی بوده و در تاریخ ۷۶/۵/۱۸ که آقای دکتر ... اولین مسئول فنی مرکز پژوهش و پالایش شده است، سالها بدون نظارت بکار خود ادامه می‌داده و حساسترین فرآورده‌های خونی را تهیه و توزیع می‌نموده است. در سایه چنین عدم نظارتی فاجعه بزرگ آلودگی بیماران مصرف کننده خون فرآورده‌های خونی به وقوع پیوسته است. (مستند شماره ۳۱ جلد سوم پرونده کیفری گواهی مسئولیت فنی آقای دکتر ...).

ادامه دارد...